

نامگذاری میدان‌ها و خیابان‌ها و نسبت آن با قانون اساسی

سیدناصر سلطانی
استاد دانشگاه تهران
و وکیل دادگستری

شماری از نام‌ها در حکومت‌های معاصر ی که ایران تجربه کرده دوام و بقا دارند و با آمدن و رفتن حکومت گزند ی به آن‌ها نرسیده است. علت دوام و بقای این نام‌ها چیست؟ چرا با وجود زیر و زبر شدن دستگاه حکومت و با تغییرات بنیان کنی که در سال ۵۷ روی داد؛ این نام‌ها همچنان باقی ماندند؟ نام خیابان‌هایی مانند فردوسی، ابن سینا، رودکی، سهروردی، حافظ، سعدی، مولوی، خیام، سنایی، ناصر خسرو، خاقانی، میرداماد، ملاصدرا، کریمخان زند، شیخ‌هادی، دماوند، بهارستان، راه‌آهن و تجریش، نازی‌آباد، منیریه، سنگلج، شوش و... اما برخی نام‌های دیگر عمرشان تنها به اندازه عمر یک حکومت و رژیم سیاسی است و با تغییر نظام سیاسی آن نام‌ها تغییر کردند. نام خیابان و بزرگراه‌هایی مانند دسته نخست: کوروش کبیر، تخت جمشید، تخت طلووس، سیروس، شاپور، داریوش، اوستا، ایرانه‌ر، نوشیروان دادگر، مدائن، بوذرجمهری، جهان کودک، هدایت، نیلوان، آریانا، آپادانا، شاه عباس، شیرو خورشید، قوام السلطنه، سپه، نفت و... دسته دوم: شاه‌رضا، رضاشاه، پهلوی، شاهنشاهی، محمد رضا شاه، ولیعهد، آریامهر، اشرف پهلوی، شهید، شهپاد، ثریا، رزم‌آرا، عین‌الدوله، بلوار الزیبات، آینه‌پاور، روزولت، آتاتورک، آناطول فرانتس، استالین، دوگل، جردن، فرانسه، لس‌آنجلس و... نام میدان‌ها، دسته‌نخست: توپخانه، آریاشهر، ارگ، هفت‌حوض، فلکه اول تهرانپارس، فلکه سوم تهرانپارس و... دسته دوم: فوزیه /شهناز، ۲۴ اسفند، ایران نوین، باغشاه، ثریا، فرحناز، سپه، کندی، وثوق، ولیعهد، فرح‌بخش و... حتی نام شهرهایی مانند دسته‌نخست: راه‌آهن، آیرانشهر، زابل، فردوس، کاشمر، بابل، نوشهر، رامسر، اهواز، خرسهر، آبادان، آذرشهر و... دسته دوم: مانند بندر شاه، شاهی، بندر پهلوی، شاهپور و...

اکنون از منظر نسبت این بحث با ایده قانون اساسی چند پرسش پیش روی ماست ۱. کدام یک از این تغییر نام‌ها از منظر ی بلندمدت و فرهنگی و اجتماعی موجه و مشروع و مقبول هستند؟ ۲. در این تغییر نام‌ها چه معیار و سنجه‌هایی به عنوان ضابطه و ملاک باید در نظر باشند؟ موجه و معتبر شناخته شوند و در ناحیه آگاهی ملی و هویت تاریخی یک ملت پذیرفته شوند؟ ۳. کدام یک از این تغییرات در میان مردم ایران دوام و بقا خواهند داشت و مردمان ایران آن را با طیب خاطر خواهند پذیرفت و آن را اعتساف و تحمیل نخواهند دید؟ ۴. چه کسانی و با چه خصوصیات ی صلاحیت انتخاب این نام‌ها را دارند؟ ۵. در انتخاب این نام‌ها چه فرایندی باید طی شود تا نتیجه‌ای ماندگار و پایا ر جابعدست آید؟ در اینجاست که ایده قانون اساسی نسبتی با چنین نامگذاری‌هایی پیدا می‌کند. بدین معنی که مفاد و مضامین اصول قانون اساسی ایران باید مانند نام‌ها و نمادهایی چون فردوسی، حافظ و سعدی باشد که «دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی» و هر مضمون و محتوایی غیر از این، تعدی و تجاوز به آگاهی ملی و آگاهی تاریخی یک ملت است. بنابراین تدوین کنندگان قانون اساسی می‌بایست چنین ناحیه‌ای از آگاهی تاریخی یک ملت را نشانند و بر آن چیرگی داشته باشند و چنین کسانی از یک ملت می‌توانند در هیئت تدوین قانون اساسی حاضر باشند تا چنان فحوا و معنایی را در متن قانون اساسی ملی وارد کنند. بدین سان قانون اساسی باید در ناحیه آگاهی ملی و به عنوان «امر ملی» دیده شود؛ در غیر این صورت همان گونه که نام مکان‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها تنها در ناحیه دریافت یک صنف و از نظرگاه تنگ و کوتاه ایشان شناخته خواهد شد و به درک برخی از اصناف و طبقات فروکاسته خواهد شد که از هجوم نام یک صنف یا یک خاندان شهر به مرز خفگی خواهد رسید؛ برخی از اصول قانون اساسی نیز تنها از نظر یک صنف و جهان بینی محدود او موجه و معتبر خواهد بود و در نزد عموم جز تجاوز ی نخواهد بود.

امروز پس از فروکش کردن آن التهاب و اضطراب، وقتی شهروندان به دسته نخست آن تغییرها می‌نگرند آن تبدیل‌ها را موجه و معتبر نمی‌یابند و حتی برخی از آن تعویض‌ها را گذشت قریب به پنج دهه همچنان به همان نام‌های پیشین می‌شناسند و در میان یکدیگر به همان نام‌ها می‌خوانند. این دسته از نام‌ها هم چون اصولی از قانون اساسی هستند که نااندیشیده و به غلط و من غیر حق تغییر کرده‌اند. دسته دوم از آن نام‌های پیشین، خود تجاوز و دست‌اندازی پهلوی به خاطره ملی و آگاهی تاریخی ایرانیان بود و انقلابیون نیز اشتباه پهلوی را به نوع دیگری تکرار کردند و خاطره تاریخی ملت بازچه هوس و خیالات ایشان شد. پهلوی به خود اجازه می‌داد تا خیابان‌ها و میدان‌های شهر و حافظه تاریخی و هویت ملی شهروندان را ملک طلق خود بیانگارد و نام‌های خاندان سلطنت را در هر کوی و بزرزی تحمیل کند. چنین کاری به نوع دیگری از سوی انقلابیون

۵۷ ادامه یافت و آنان نیز همان دستکاری را در حافظه تاریخی مردم ادامه دادند تا جایی که در سال‌های اخیر نام اتوبان‌هایی مانند نیاپش و بعثت را که هر دو ر زمره بالاترین نمادهای دینی و اسلامی بودند به نام هاشمی‌رفسنجانی و رئیس ی تغییر دادند و با این تغییرات نشان دادند که حتی رأس و رئیس ارزش‌های معنوی و اسلامی نمی‌تواند با ایدئولوژی انقلابی و نام انقلابیون معارضه کند و نزد اهل ایدئولوژی چیزی بالاتر از منویات و شور و عواطف زودگذر ایشان نیست و هنوز ساختارها و نمادهای تاریخی یک کشور نمی‌توانند از گزند موقف قاصر ایشان در امان باشد. تا آنجا که حتی بر خلاف احکام وقف نام موقوفه مدرسه و مسجد سپهسالار به نام انقلابیون تغییر دادند.

در برخی موارد در حکومت‌های مختلف نام‌های ماندگاری برای مکان‌ها و خیابان‌ها انتخاب شده که می‌تواند به عنوان سنجه و معیاری دیده شود. سیدحسین نصر در خاطرات خود نمونه‌ای از این موارد را آورده است که فرح در سال ۴۸ یا ۴۹ باوی تماس گرفته و گفته بود «الان شهردار اینجاییش من نشسته، من نمی‌خواهم این خیابان فرح به اسم من باشد فرح شمالی و فرح جنوبی. شما یکی از بزرگان ایران را معرفی کنید که اسم او را بگذاریم روی آن خیابان. من گفتم تمام شعرای ایران خیابان به اسم خودشان دارند... و خیابان ابن سینا هم داشتیم، گفتم بگذاریم سهروردی». پس از گسترش تهران و ساخته شدن دوبلور جدید، نصر نام‌های میرداماد و ملاصدرا را هم برای نامگذاری معرفی می‌کند. ۱ تغییر نام پارک شاهنشاهی به پارک ملت، پارک ولیعهد به پارک دانشجو، پارک فرح به پارک لاله، میدان شهید به میدان آزادی، پس از انقلاب نیز می‌تواند از این دسته اخیر شمرده شود. بدین سان مضامین و محتوای اصول قانون اساسی نیز می‌بایست با چنین حزم و دوراندیشی و دقتی انتخاب شوند تا بتوانند مانند نام خیابان‌های فردوسی، حافظ و سعدی در حافظه تاریخی ملت پذیرفته شوند و با آگاهی تاریخی آنان هماهنگ و سازگار باشند. در قانون اساسی نیز مضامینی می‌توانند دوام و بقا یابند و از گزند ایام و تداول حکام در امان بمانند که چنین حصافت و خردی در آن‌ها وارد شده باشد. هر مضمونی در «قانون اساسی ایران» و هر نامگذاری یا تغییر نامی که چنین پشتوانه و پایگاه ملی و تاریخی نداشته باشد جز تجاوز ی به آگاهی ملی و حافظه تاریخی نخواهد بود و در فرایبی دیگر با نام دیگر و یا با اصل دیگری جایگزین خواهد شد. اندیشیدن به اصول قانون اساسی مانند یافتن نامی ماندنی برای خیابان و میدانی است، چنان نامی که در نزد مردم پذیرفته شود و مردم در آن نام، خود را و خاطرات و تاریخ خود را بیابند و با آن پیوندی برقرار کنند. اصول قانون اساسی نیز در چنین ناحیه‌پارکی باید اندیشیده شود «گزیده رو که گذرگاه عافیت تنگ است».

در ماده یک «آیین‌نامه نامگذاری شهرها، خیابان‌ها، اماکن و مؤسسات عمومی» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی اولین ضابطه و معیار نامگذاری اسامی خیابان‌ها و اماکن را چنین تعیین کرده است: «۱- نام شخصیت‌های مهم تاریخ صدر اسلام و انقلاب اسلامی و شهدای گرانقدر آن و حوادث مهم تاریخ مبارزات اسلامی مردم ایران در درجه اول و نام شخصیت‌های فرهنگی، ادبی، علمی، سیاسی و تاریخی ایران و اسامی راجع به اندیشه، فکر و هنر و نیز مظاهر طبیعت زیبای ایران در مرتبه بعد برگزیده شود».

صرف نظر از مناقشات حقوقی که در باب صلاحیت آن شورا وجود دارد که به‌نوبه خود تشکیک و تردیدی بنیادین است؛ بحث ما در اینجا مشروعیت و دوام چنین ضوابط و ملاک‌هایی در فرهنگ عمومی است. فرهنگ ایران با چهار آیشخور ایران باستان، اسلام، فرهنگ یونانی و فرهنگ مدرن درآمخته است. به تعبیر اهل نظری چون زنده‌یاد جواب طباطبایی، سنت ایرانی چنین ریشه پیچیده‌ای دارد و بنابراین در ارائه راه‌حل برای مسائل آن چنین پیچیدگی و تنیدگی باید لحاظ شوند؛ اما آیین‌نامه فوق در معیاری که ارائه کرده به وضوح از رعایت چنان موازنه‌ای عاجز بوده است. بدین سان نمی‌توان ایران را به یکی از آیشخورهایش فروکاست؛ چنان که در متن فوق چنین کرده‌اند؛ حال آن که کار بسیار پیچیده است «آن امرنا صعب». این درک از قانون در میان حقوق‌دانان آن زمره اولین درس‌های دانشکده است: «خوبی و درستی قانون تا حد زیادی به ذوق سلیم و احتیاط و بصیرت قانون‌گذار بستگی دارد؛ زیرا اوست که باید از ترکیب همه این عوامل نتیجه‌گیری درست کند و قاعده‌ای فراهم آورد که با طبع اجتماعی و وظایفی که بر عهده دارد ملایم‌تر باشد». چنین توانایی و صلاحیتی «عرسه سیمرغ است» ۲، و از عهده کسانی ساخته است که نوری از اراده ملت در آن‌ها تابیده باشد و از جانب ایشان نمایندگی داشته باشند. یعنی «اشخاص مسلم و متفق علیه عبدالنوع و مورد قبول عامه» در چنان مناصب و شورا‌هایی نشسته باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- نصر، سید حسین، حکمت و سیاست: خاطرات سید حسین نصر، به کوشش حسین دهباشی، -سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸- ۱۳۷. ۲- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ص ۷۳ و ۲۲۱.



انگلیس: آرش خاموشی/هم‌میلون

پیشنهاد قالیباف به وزرای دولت درباره استیضاح‌های زنجیر‌های

خودتان کنار بروید

واقعاً در زمانی که بحران و جنگ وجود ندارد، این شکل از فیلترینگ کار صحیحی نیست. حالا چرا اعمال می‌شود، بحث دیگری است. باشیوه فعلی درصد بالایی از مردم از فیلترشکن استفاده می‌کنند و این مسئله آسیب را بیشتر می‌کند و فضای مجازی را ناامن‌تر می‌سازد و دسترسی هرکرا و دشمنان را افزایش می‌دهد لذا این گونه که اکنون در حال رخ دادن است، وضعیت مطلوبی نیست». او افزود: «از طرف دیگر، لغو فیلترینگ بدون حکمرانی در فضای مجازی هم امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که فیلترینگ به این شکل را اشتباه می‌دانم، باز کردن کامل فضا بدون حکمرانی در فضای مجازی هم واقعاً ناشدنی نیست. شما یک کشور نام‌ببرید که حاکمیت با دولت آن در فضای مجازی حکمرانی نداشته باشد. حکمرانی در فضای مجازی تنها امنیتی نیست؛ بحث‌های بهداشتی، سلامت، اقتصاد، موضوعات مربوط به دزدی و دارایی افراد، مسائل تربیتی و بسیاری از شئون زندگی در این فضا مطرح است». رئیس مجلس تأکید کرد: «در شورای عالی فضای مجازی بحث کردیم و نهایتاً طرحی با ۳۲ بند تدوین شد. این ۳۲ بند دو کار را همزمان انجام می‌دهد؛ نخست حکمرانی را در فضای مجازی قطعی می‌کند و همزمان به هر میزان که حکمرانی پیش برود، پلتفرم‌ها را باز می‌کند.»

۴ استیضاح اعلام وصول شده است

با آنکه نایب‌رئیس مجلس و سخنگوی دولت از اعلام وصول ۵ استیضاح خبر داده‌اند، قالیباف درباره ضرورت اصلاح کابینه رئیس‌جمهور و تصمیم مجلس گفت: «استیضاح و یا ترمیم جزء وظایف دولت و شخص رئیس‌جمهور است. مجلس هم کار نظارتی خود را از طریق تذکر شفاهی، کتبی، سوال و همچنین در آخرین مرحله از طریق استیضاح دنبال می‌کند. در این موضوعات نباید سیاسی رفتار کرد بلکه به گونه‌ای باید عمل شود تا گره‌ای از مشکلات مردم حل شود. در حال حاضر ۴ استیضاح به هیئت‌رئیس‌ه تقدیم شده است. در دولت سیزدهم روشی داشتیم و به عنوان یک نماینده معتقدم روشی که در مجلس یازدهم بود را دنبال کنیم، گفت و شنود باید شود تا اگر در کار وزیری اشکالی وجود دارد و اگر بهتر ی برای وزارت سراغ داریم با توافق مجلس و دولت، دولت اقدام به اصلاح کار کند که این روش مناسب‌تری است. ما می‌خواهیم با برداشتن فرد غیرکارآمد مشکل را حل کنیم. استیضاح وزیر ۱۵ روز زمان نیاز دارد، رئیس‌جمهور ظرف چند روز بعد از استیضاح، می‌تواند وزیر جدید را به مجلس معرفی کند و مجلس نیز ظرف ۱۰ روز بررسی انجام می‌دهد. جلسه رأی‌گیری را برگزار می‌کند تا وزیر انتخاب شود و در صورتی که وزیر پیشنهادی رای نیابورده، سه روز بعد مجدداً آفرد بعدی باید به مجلس معرفی شود و همه این اتفاقات در دو هفته تمام می‌شود.» او افزود: «انتخاب وزیر بعد از پروسه استیضاح، مشکلات وزارتخانه را چند برابر می‌کند چرا که در این پروسه رئیس‌جمهور ۹۰ روز فرصت دارد تا وزیر جدید را معرفی کند. تجربه نشان داده که فرد مورد نظر همیشه در هفته آخر معرفی می‌شود و بعد از آن نیز پروسه جابه‌جایی وزیر جدید نیز حتماً سه ماه زمانبر خواهد بود؛ یعنی ما عملاً یک سال از چهار سال را در یک روز، ازتخانه در جریان یک استیضاح از دست می‌دهیم.»

۵ ما با وجود زیاده‌خواهی تن به مذاکره نمی‌دهیم

رئیس مجلس درباره گره اصلی عدم از سرگیری مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا، تأکید کرد: «مشکل اصلی، زیاده‌خواهی آمریکاست. آمریکا قصد مذاکره ندارد بلکه می‌خواهد خواسته خود را تحمیل کند و ما تسلیم‌کنند، این در حالی است که ما در جنگ ۱۲ روزه نشان دادیم که تسلیم می‌شویم و نه تحمیل را می‌پذیریم. ما در میانه میز مذاکره بودیم که آمریکایی‌ها اقدام به بمباران ما کردند. این اقدام یعنی آمریکایی‌ها به دنبال مذاکره نیستند. ما اهل تعامل و مذاکره هستیم اما باید در شرایط برابر و درست باشد و اصل بر گفت‌وگو باشد.»

۶ بودجه در حال حاضر از دیگر زمان‌ها شفاف‌تر است

رئیس مجلس درباره نحوه تدوین بودجه ۱۴۰۵ بر اساس برنامه هفتم و شفافیت در تخصیص اعتبارات، گفت: «همه تلاش دولت و مجلس بر اساس قانون برنامه هفتم حرکت به سمت خروجی محوری است تا بودجه عملیاتی داشته باشیم و تراز عملیاتی بدون کسری بودجه درآید. هیچ‌گونه تردیدی ندارم که دولت بودجهٔ شخص آقای رئیس‌جمهور قانون را دنبال می‌کند و تلاش من هم در اداره صحن همین است. روش جبران آن کسری بودجه بسیار مهم است. گاهی ناگزیر هستیم کاری انجام دهیم که کسری بودجه را جبران کنیم اما باید این روش تورم‌زا نباشد و پایه پولی را افزایش ندهد. واقعیت تلخ دیگری که وجود دارد این است که در دولت تصمیمی گرفته می‌شود و قانون نیز شده است اما رده‌های پایین‌تر یعنی بدنه وزارتخانه‌ها و نمایندگان هر کدام با مشکلاتی روبه‌رو هستند؛ یعنی نمایندگان در برخی مناطق و دولتی‌ها هم در حوزه خودشان نگاه به اولویت‌های خود دارند. معمولاً تغییرات در صحن و کمیسیون مطرح می‌شود، اگر بگوییم بیش از ۹۰ درصد پیشنهادات از بدنه دولت با نمایندگان مطرح می‌شود، گزارا نیست که البته

۷ این نوع فیلترینگ را قبول ندارم

قالیباف در پاسخ به سوالی درباره فیلترینگ و علت وجود خط سفید گفت: «مواضع من، در مجلس و عضو شورای عالی فضای مجازی، این است که فیلترینگ به شکل موجود اشتباه است. فیلترینگ طبیعتاً در زمان بحران، حوادث و در زمان جنگ که اتفاقی بیفتد، حتی تا جایی که قطع اینترنت هم در جنگ دوازده روزه پیش آمد، یک امر کاملاً طبیعی و مشخص است و در همه دنیا هم همین وضعیت وجود دارد. اما